



قرّة العین

قاضی اوش

تصحیح و تحقیق

سلمان ساکت، زہرا محمودی



سرشناسه	ساکت، سلمان، ۱۳۵۹ - مصحح.
عنوان و نام پدیدآور	قرّة العین / تصحیح و تحقیق سلمان ساکت، زهرا محمودی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۶۴، ۲۳۵ ص.
فروست	مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار یزدی؛ شماره ۲۱۵.
شابک	گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۶۲. ۷-۸۹-۵۹۴۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	واژه نامه.
یادداشت	نمایه.
موضوع	ضرب المثل های فارسی
موضوع	Proverbs, Persian
موضوع	قرآن -- امثال و حکم
موضوع	Qur'an -- Maxims
موضوع	ضرب المثل های عربی
موضوع	Proverbs, Arabic
موضوع	ضرب المثل های عربی -- شعر
موضوع	Proverbs, Arabic -- Poetry
موضوع	ضرب المثل های فارسی -- جنبه های قرآنی
موضوع	Proverbs, Persian -- Qur'anic aspects
موضوع	ضرب المثل های فارسی -- شعر
موضوع	Proverbs, Persian -- Poetry
موضوع	ادبیات فارسی -- لطایف و حکایات
موضوع	Persian literature -- Anecdotes
موضوع	ادبیات تطبیقی -- فارسی و عربی
موضوع	Comparative literature -- Persian and Arabic
شناسه افزوده	محمودی، زهرا، ۱۳۷۰ - مصحح
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ق ۲ س / ۳۹۹۶ PIR
رده بندی دیویی	۹۶ / ۳۹۸
شماره کتابشناسی ملی	۵۳۷۶۱۲۱

قرّة العین



قاضی اوش

تصحیح و تحقیق



دکتر سلمان ساکت

(عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)

زہرا محمودی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۶۲]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیأت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



قرّة العین

قاضی اوش



تصحیح و تحقیق دکتر سلمان ساکت، زهرا محمودی

گرافیسیت، طراح و مجری جلد کاوه حسن بیگلر

صفحه‌آرا زینب نورپور جویباری

لیتوگرافی کوثر

چاپ متن آزاد

صحافی حقیقت

تیراژ ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول پاییز ۱۳۹۷

ناشر انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف‌نسب

تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت



متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار



دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - آرش افشار (بازرس)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار - کریم اصفهانیان
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

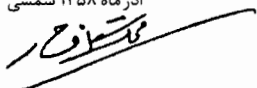
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند، تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوجی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زیان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشر شده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

تقدیم به دو مثل پژوه بزرگ معاصر:

زنده یادان استاد علی اکبر دهمخدا و استاد احمد بهمنیار
و نیز استاد فرزانه، دکتر محمد رضا راشد محصل که اسوه اخلاق و آزادگی است.



❖ فهرست مطالب ❖

پیشگفتار.....	هفده
مقدمه.....	نوزده
تعریف مثل.....	نوزده
طبقه‌بندی امثال.....	بیست و یک
امثال عربی.....	بیست و یک
امثال قرآن.....	بیست و دو
امثال فارسی.....	بیست و چهار
تطبیق امثال عربی و فارسی.....	بیست و نه
معرفی کتاب.....	بیست و نه
نام کتاب.....	سی و یک
نام مؤلف و مهدی الیه.....	سی و یک
ساختار کتاب.....	سی و سه
اهمیت کتاب.....	سی و پنج
معرفی و نقد چاپ پیشین.....	سی و هشت
ضرورت تصحیح دوباره.....	سی و نه
۱. نسخه‌های مورخ ۶۵۱ ق.....	چهل و دو
اهمیت نسخه‌های (مورخ ۶۵۱ ق).....	چهل و سه
۲. نسخه کتابخانه فاتیح.....	پنجاه
۳. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.....	پنجاه و یک

۴. نسخه اوّل کتابخانه ایا صوفیا پنجاه و دو
 ۵. نسخه کتابخانه مرعشی پنجاه و سه
 ۶. نسخه کتابخانه ملّی تبریز پنجاه و چهار
 ۷. نسخه دوم کتابخانه ایا صوفیا پنجاه و پنج
 اختلافات نسخ کهن تر با تصحیح اجلالی پنجاه و شش
 روش تصحیح شصت
 یادداشت‌ها شصت و دو

قرّة العین ۱

القسم الاول فى الامثال المفردة ۹

الفصل الاول منه ۱۱

الفصل الثانى فى الاشعار و الامثال المتمثل بها ۲۴

الفصل الثالث من القسم الاول فى الامثال و الحكايات اللاتقة بها ۴۴

القسم الثانى فى المحاورات و الالفاظ التى تجرى فى المحاوره ۵۱

الفصل الاول من القسم الثانى فى ذكر نعم الله تعالى ۵۳

الفصل الثانى فى احاطة علم الله تعالى ۵۴

الفصل الثالث فى العفو و الغفران عن الإخوان ۵۵

الفصل الرابع فى تحسين الكلام الحسن ۵۶

الفصل الخامس فى تقييح الكذب و ذمّ الكذاب ۵۷

الفصل السادس فى تهجين التفاف ۵۸

الفصل السابع فى الشماتة على من يرى جزاء بفعله ۵۹

الفصل الثامن فى تخويف الظالم و شرّ مصيره ۶۰

الفصل التاسع فى النهى عن البخل و الحثّ على الكرم ۶۱

الفصل العاشر فى النهى عن الإسراف ۶۲

٦٣	الفصل الحادى عشر فى تسليّة قلب المحزون.....
٦٤	الفصل الثانى عشر فى نواذر المحاورات المتفرقة.....
٦٩	القسم الثالث فى الحكايات المرتبطة بالآيات.....
٧١	الفصل الاول من القسم الثالث فى ذكر الاسخياء و الكرام.....
٧٧	الفصل الثانى من القسم الثالث فى البخلاء و اللثام.....
٨١	الفصل الثالث فى بدايع نكات النسوان.....
٨٨	الفصل الرابع [فى ملح الفاظ الغلمان].....
٩٢	الفصل الخامس فى تعبير الرؤيا.....
٩٧	الفصل السادس فى الاسئلة الامتحانية.....
١٠٣	الفصل السابع فى المكاتبات.....
١٠٧	الفصل الثامن فى الحكايات المتفرقة فى الانواع المختلفة.....
١٢٥	القسم الرابع فى الابيات و الآيات اللائقة بها.....
١٣٥	تعليقات.....
١٧٧	پيوست ها.....
١٧٩	پيوست ١.....
١٧٩	نسخه C.....
١٨٠	نسخه G.....
١٨١	پيوست ٢.....
١٨١	نسخه G.....
١٨٣	پيوست ٣.....
١٨٣	نسخه G.....
١٨٤	پيوست ٤.....

نسخه G ۱۸۴

فهرست ها ۱۸۵

آیات ۱۸۷

احادیث ۲۰۰

امثال عربی ۲۰۱

امثال فارسی ۲۰۳

اشعار عربی ۲۰۸

اشعار فارسی ۲۱۰

اعلام تاریخی ۲۱۴

اعلام جغرافیایی ۲۱۶

واژه ها و ترکیبات ۲۱۷

منابع ۲۲۱

پیشگفتار

آشنایی من با کتاب قرّة العین به سال ۱۳۸۴ بازمی‌گردد. در آن روزها که به تازگی به دوره کارشناسی ارشد گام نهاده بودم، دلبسته کتابخانه گرانقدر دانشکده ادبیات و علوم انسانی بودم و با کتابخانه پرمایه دکتر غلامحسین یوسفی انسی ویژه داشتم. این انس و دلبستگی با دیدارهای گاه و بیگاه با استادانم، شادروان دکتر رضا انزابی‌نژاد و دکتر محمد رضا راشد محصل حلاوتی دوچندان می‌یافت، چراکه از کتابهای نودیده و نخوانده با ایشان سخن می‌گفتم تا بدین بهانه، آن دو استاد دانشمند و فرهیخته را به سخن آورم و از خرمن دانش ایشان خوشه‌ها فراهم آورم. روزی در یکی از این دیدارها، از کتاب لطایف الامثال، اثر رشیدالدین وطواط و ویژگی‌های آن سخن به میان آمد، استادم دکتر راشد محصل کتاب قرّة العین را معرفی و مرا به خواندن آن توصیه کردند. همان لحظه به یاد آوردم که پیشتر، نام کتاب را در اثر گرانسنگ استاد علی میرافضلی، رباعیات خیام در منابع کهن، دیده بودم. بی‌درنگ کتاب را از کتابخانه گرفتم و به خواندنش مشغول شدم. پس از اتمام، دریافتم که علی‌رغم کوشش مصحح، حق این اثر ارزنده و خواندنی به‌تمامی ادا نشده و نیازمند تصحیح دوباره است. از این رو به شناسایی و جمع‌آوری نسخ آن همت گماردم و مقدمات تصحیح کتاب را فراهم آوردم. اما اشتغالات گوناگون در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری و پیوستگی این دو مقطع به یکدیگر، سبب شد تا تصحیح قرّة العین سالها به تعویق افتد. بعدها دستنویس‌های دیگری نیز یافتم و بهتر دیدم که از یاری و کمک دانشجویی علاقه‌مند بهره‌گیرم تا هم سرعت کار بیشتر

شود و هم زمینه فراگیری فن تصحیح برای دانشجویی کوشا و مستعد فراهم گردد. بدین ترتیب با همراهی دانشجوی علاقه‌مند و شایسته خود، خانم زهرا محمودی، به اندیشه‌ای جامه عمل پوشانیدم که بیش از ده سال در ذهن و ضمیر خود می‌پروراندم.

در تصحیح و پیرایش این متن از لطف و راهنمایی شماری از استادان و دوستان خود بهره‌مند بوده‌ام که از آنان سپاس ویژه دارم: پژوهشگر باریک‌بین و بی‌ادعا، جناب علی صفری آق‌قلعه، دوست نویافته و دانشمند، دکتر هادی طباطبایی، پژوهنده صمیمی و نیک‌سرشت، جناب بهروز ایمانی، همسفر فروتن و مهربان، خانم دکتر منیژه صدری و نسخه‌پژوه ارجمند و کوشا، دکتر مهرداد چترایی، که هریک در شناسایی و دستیابی به برخی از دستنویسهای اثر نقش بسزایی داشتند. استاد فرهیخته و بلندآوازه، دکتر محمود مهدوی دامغانی و دوست فاضل و نازنین، جناب جویا جهانبخش که از سر مهر کتاب را پیش از انتشار از نظر گذرانیدید و نکته‌های قابل توجهی را متذکر شدند. همراهی مهربان‌یار عزیز، جناب عبدالرضا موسوی طبری را ارج می‌نهم که بدون مشورت‌های ایشان برخی از گره‌های متن گشوده نمی‌شد. همچنین از جناب دکتر محمد افشین وفایی سپاسگزارم که انتشار این اثر را در سلسله انتشارات بنیاد موقوفات افشار پذیرفتند و با دقت و وسواس، راهنمایی‌های ارزشمندی ارائه نمودند. از خانم نورپور جویباری که حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب حاصل زحمات ایشان است، کمال تشکر را دارم.

سلمان ساکت

مشهد - مهرماه ۱۳۹۷

مقدمه

تعریف مثل

مثل کلمه‌ای عربی و مشتق از مَثَل، يَمْثُلُ، مُثُولاً است که دو معنا دارد: یکی «شباهت داشتن چیزی به چیز دیگر» و دیگری «راست ایستادن و به پاخاستن» (داستان‌نامه بهمنیاری، ید). این کلمه در خانواده‌ی زبان‌های سامی مانند عبری، آرامی، حبشی و اکدی بنا به اشتقاق، به معنی «هماندی و شباهت» است^۱ (امثال کهن عربی، ۱۱). برخی از پژوهشگران بر این باورند که احتمالاً این کلمه از سریانی به عربی راه یافته است (واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۳۷۳).

امثال نه تنها دربردارنده‌ی وقایع، حکایات و افسانه‌ها هستند، بلکه مانند اشعار، بسیاری از لغات و اصطلاحات و معانی اصلی آن‌ها را حفظ می‌کنند. همانطور که اشعار شاهنامه و سروده‌های شاعرانی چون خاقانی و نظامی، بخش عظیمی از کلمات، اصطلاحات و کنایات فارسی را از نابودی مصون داشته‌اند، امثال نیز بسیاری از واژه‌های اصیل فارسی را با همان معانی نخستینشان، نگاه داشته و از فراموشی معنای اصلی آنها جلوگیری کرده‌اند. همچنین بیشتر کنایات و اصطلاحات فارسی، هر کدام در دل یک مثل سایر محفوظ مانده و امروز به ما رسیده است.

سابقه‌ی کاربرد امثال در میان اعراب، به پیش از اسلام بازمی‌گردد. با مطالعه‌ی کتب مرجع امثال عرب درمی‌یابیم که از حدود سده‌ی دوم هجری، نویسندگان مثل را به اعتبار معنای اصطلاحی آن تعریف کرده‌اند. میدانی در مقدمه‌ی مجمع‌الامثال (ج ۱،

ص ۳۳-۳۴) برخی از تعاریف نویسندگان پیش از خود را آورده است. بررسی این تعاریف نشان می‌دهد که از همان دوران، دیدگاههای متفاوتی دربارهٔ مثل و کارکرد آن وجود داشته است. برای نمونه، ابن سکّیت (م: ۲۴۳ ق.) مثل را چنین تعریف کرده است: مثل از نظر لفظ با مصداق کاربرد تفاوت دارد اما در معنی با آن یکسان است (مجمع‌الامثال، ۳۳/۱). مبرّد (م: ۲۸۵ ق.) مثل را سخنی می‌داند که زیانزد است و چیزی را به چیزی دیگر تشبیه می‌کند (همان). ابواسحاق ابراهیم بن سیار، معروف به نظام (م: حدود ۲۰۰ ق.) می‌گوید: در مثل چهار ویژگی با یکدیگر جمع شده است که این ویژگی‌ها در سخنان دیگر با هم جمع نمی‌شوند: ایجاز لفظ، روشنی معنی، حسن تشبیه و لطف کنایه و این آخرین پایهٔ بلاغت سخن است که برتر از آن ممکن و متصور نیست (همان، ۳۴). قاسم بن سلام (م: ۲۲۴ ق.) در مقدمهٔ کتاب خود می‌نویسد: مثل شعبه‌ای از فلسفه و حکمت عرب در عصر جاهلیت و اسلام است که در میان سخن می‌آورند و به وسیلهٔ آن، مقصود خود را به کنایه ادا می‌کنند، چرا که در امثال سه ویژگی جمع است: اختصار لفظ، صحت معنی و حسن تشبیه (کتاب‌الامثال، ۳۴).

همان‌گونه که از تعاریف فوق برمی‌آید، در برخی از آنها وجه بیانی مثل برتری دارد (علم بیان) و در برخی دیگر عناصر معانی (علم معانی). همچنین، برخی معتقدند که ارتباط مثل با فلسفه و حکمت وجه ممیّزهٔ آن با دیگر عناصر زبانی است («مثل چیست؟»، ۵۱).

سینسیوس اریستاتل (۳۷۰-۴۱۳ م.) نیز مانند ابن سلام بر وجه ارتباط مثل با حکمت و فلسفه اصرار می‌ورزد و مثل را این‌گونه تعریف می‌کند: مثل اثری از بنای درهم شکسته و فرو ریختهٔ فلسفهٔ قدیم است که از میان خرابه‌های بی‌حد و شمار آن بنا نمودار شده و به سبب اختصار لفظ و روشنی معنی و آسانی تلفّظ، باقی و پایدار مانده و از خاطره‌ها نرفته است (همان).

حاصل سخن آنکه براساس تعاریف دانشمندان گذشته و نیز با توجه به کارکرد مثل، تعریف اصطلاحی آن عبارت است از: جمله‌ای [یا ترکیبی] مختصر، مشتمل بر تشبیه یا مضمونی حکیمانه که به سبب روانی لفظ و روشنی معنی و لطف

ترکیب، شهرت عام یافته باشد و همگان آن را بدون تغییر و یا با اندک تغییر در محاوره به کار برند (همان، ۵۲ و داستان‌نامه بهمنیاری، یو).

طبقه‌بندی امثال

امثال را با توجه به آنچه در کتب امثال عرب گرد آمده است، به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. امثالی که ریشه در حکایت‌های کهن فرهنگ عامه دارند و در آن جانوران و گاه جمادات، نقش‌های انسانی ایفا می‌کنند. این حکایت‌ها اغلب برگرفته از کتاب‌هایی مانند کلیله و دمنه و هزار و یک شب است.

۲. امثالی که سرچشمه آن‌ها حکایت‌هایی مبتنی بر رفتار یا واقعه‌ای به یاد ماندنی بوده است.

۳. امثالی که در اصل در قالب جملاتی حکیمانه (یا کلمات قصار) بیان شده‌اند و از این رو از آن‌ها گاه به «حکم» تعبیر می‌شود (لطایف‌الامثال (مقدمه مصحح)، ۲۲).

گاه در تقسیم‌بندی امثال، موارد اول و دوم را درهم می‌آمیزند و امثال را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنند: امثال تمثیلی و امثال حکمی (داستان‌نامه بهمنیاری، کب). بر این اساس، امثال تمثیلی به امثالی گفته می‌شود که ریشه در واقعه‌ای تاریخی یا حکایتی افسانه‌ای دارند و از این رو درک کامل آن، از رهگذر دانستن واقعه یا حکایت اصلی امکان‌پذیر است. در حالی که امثال حکمی، جملاتی حکیمانه و پرمغز هستند که شهرت و مقبولیتی عام یافته‌اند و اگرچه گوینده اکثر آنها نامعلوم است، ولی نشناختن گوینده، ربطی به فهم مثل ندارد («رشیدالدین و طواط و نقش او در پیوند امثال عربی و فارسی»، ۴۴۰).

امثال عربی

بر اساس برخی از منابع در اواخر عصر جاهلی، بخشی از امثال را روی صحیفه‌ای نوشته بودند و شاعران جاهلی از آن‌ها در قصاید خود استفاده می‌کردند (امثال کهن عربی، ۳۰). پس از اسلام، در دوران خلافت امویان گروهی به گردآوری و تدوین

امثال پرداختند. گفته‌اند که عبید بن شریه جرهمی، علاقه‌بن کریم کلابی و صحار بن عباس (عیاش) عبدی کتاب‌هایی در امثال نوشته‌اند، اما همگی از بین رفته و امروزه به دست ما نرسیده‌اند (همان، ۵۴).

قدیم‌ترین کتاب‌هایی که از امثال عرب البتّه به‌طور ناقص برجای مانده است، عبارتند از: *الامثال مفضل بن محمد ضبی* (م: حدود ۱۷۰ ق.) و *الامثال مؤرج بن عمرو سدوسی* (م: حدود ۲۰۴ ق.) (*امثال کهن عربی*، ۲۰۰-۲۰۱ و 6/825 «Mathal»). از اوایل سده سوم هجری و با کتاب *الامثال ابن سلام* (م: ۲۲۴ ق) تدوین مرتب و نظام‌یافته امثال عرب آغاز شد و در ادامه، کتاب‌هایی چون *الدرة الفاخرة فی الامثال السائرة* (یا *الامثال علی افعول من*) از حمزة بن حسن اصفهانی (م: ۳۵۰-۳۶۰ ق.) و *جمهرة الامثال* از ابو هلال عسکری (م: بعد از ۳۹۵ ق.) به رشته تحریر درآمد. در نهایت، میدانی (م: ۵۱۸ ق.) با نگارش کتاب *مجمع الامثال*، مثل نویسی را به اوج شکوفایی خود رساند.

پس از میدانی نویسندگان دیگری این راه را ادامه دادند، اما به عقیده زلهایم و برخی از پژوهشگران این حوزه، چیزی بر کتب پیشین نیفزودند و تنها به تلخیص و تهذیب آنها پرداختند (*امثال کهن عربی*، ۱۶۷). از جمله این نویسندگان می‌توان به محمود بن عمر زمخشری (م: ۵۳۸ ق.) نویسنده *المستقصى فی امثال العرب*، ابوسعید محمد بن علی عراقی (م: ۵۶۱ ق.)، صاحب *نزهة الانفس و روضة المجلس*، ابوالحسن علی بن زید بیهقی (م: ۵۶۵ ق.) مؤلف کتاب *غرر الامثال* و *درر الاقوال* و محمد بن ابی بکر عبدالقادر رازی (م: ۶۶۶ ق.) نویسنده *الامثال و الحكم* اشاره کرد که اگرچه هریک کوشیدند تا بر مثل نویسی تازی نکته‌ای بیفزایند، اما هیچ‌یک به مقام و جایگاه میدانی دست نیافتند.

امثال قرآن

از بدو ظهور اسلام و با گسترش روزافزون قرآن در میان مسلمانان، برخی از آیات آن، به سبب بلاغت و فصاحت خاص و وسعت و ژرفای معنی، نزد عرب و عجم، مثل سایر شد و بدین ترتیب، گونه‌ای خاص از امثال تحت عنوان «امثال قرآنی» در میان